

مکتب سنتور استاد فرامرز یابور



ستور بدون شک یکی از متداول ترین سازهای است که هنردوستان به آن گرایش پیدا می کنند و بدون اغراق اکثریت قریب به اتفاق آن هایی که نواختن این ساز را شروع می کنند، اولین درس ها را از کتابی به نام دستور دستور می آموزند. دستور دستور که شاید از پر فروش ترین کتاب های موسیقی ایرانی باشد، در سال ۱۳۴۰ به چاپ رسید و تاکنون شاید حدود یکصد هزار نسخه از آن مورد استفاده ی هنرجویان دستور قرار گرفته است. این کتاب ساخته ی ذهن استادی است که حدود چهل سال پیش، دوران پیشی خاص او نظر بر افق های دور دست داشت و می دید که چگونه باید مکتبی استوار را در آموزش ساز دستور بنا نهاد. این چنین بود که استاد فرامرز پایور مکتب خود را پی ریزی کرد.

سال‌ها پیش تنها کتاب ویژه‌ی ساز ستور، ردیف استاد صبا بود. طبیعی است که برای یک هنرجو، آغاز کردن نوازندگی با ردیف استاد صبا کار آسانی نیست، زیرا ویژه‌کاری‌ها و عمق مطالب در حدی است که هنرجوی تازه کار از درک و اجرای بسیاری از آن‌ها عاجز می‌ماند و منطقی نیست که نوازندگی با مطلبی سخت آغاز شود. به‌منظر می‌رسد ایده‌ی اولیه‌ی استاد بابور در تهیه و تنظیم کتاب‌های آموزشی متعدد، این بوده است که توالی مطالب چاپ‌شده و

قابل اجرا برای هنرجویان، از آسان به مشکل و از ساده به پیچیده باشد. منظور از اشاره به جنبه‌های تاریخی قضیه، این است که بتوان به ریشه‌های اصلی و منطقی اطلاق لفظ «مکتب» به شیوه‌ی آموزشی استاد پاپور دست یافت. ذکر چند نمونه برای روشن شدن قضیه لازم است:

— استاد پاپور دقت خاصی در مشخص کردن جایگاه هر یک از کتاب‌های آموزشی خود دارند و به عبارت دیگر، شاید انگیزی به چاپ بیش‌تر کتاب‌های ایشان ایجاد پله‌های ساخته‌نشده‌ی نردبان پیشرفت برای هنرجویان این رشته از موسیقی است. برای استادی که ردیفی چون ردیف چمپکوک را نگاشته‌است، انگیزی می‌چاپ دوره‌ی ابتدایی صرفاً می‌تواند پرکردن خلأ آموزشی میان دستور سنتور و ردیف استاد صبا باشد. این دقت نظر شاید از مهم‌ترین دلایل رواج این مکتب است.

— استاد پاپور دقت خاصی در اداری کلاس‌ها و پیشرفت مستمر شاگردان خود داشته و استناداتی نیز تربیت کرده‌اند که بتوانند کتاب‌های این مکتب را در اقصی نقاط کشور، با بهترین و درست‌ترین شیوه‌ی ممکن ترویج دهند. این سیاست نیز در همه‌گیر شدن شیوه‌ی آموزشی ایشان و مکتبی‌بودن نوع کار دخیل بوده‌است.

— استاد پاپور بسیاری از آثار خود را در قالبی منظم و هدف‌دار به چاپ رسانده و از آن‌ها برای آموزش هنرمندان زبده سود جسته‌است. آموزش از روی نث همواره دقت کار را بالا می‌برد و باعث می‌شود تقریباً هر کسی بتواند با اطمینان، قطعه‌ی مورد نظر خود را بیابد و اجرا نماید.

— فراموش نشود که واژه‌های مکتب و سبک با یکدیگر تفاوت اصولی دارند و تصور نشود که مکتب استاد پاپور همان سبک ایشان است. مکتب بیش‌تر در مورد شیوه‌های آموزشی، و سبک بیش‌تر در مورد شیوه‌های نوازندگی و آهنگ‌سازی یک استاد به کار می‌رود. استاد پاپور در نوازندگی و آهنگ‌سازی موسیقی ایرانی نیز صاحب سبک هستند که امیدواریم در مقاله‌ای دیگر به آن بپردازیم. در مقاله‌ی حاضر نگارنده کوشیده‌است صرفاً به معرفی مکتب ایشان بپردازد.

— واژه‌ی مکتب از این جهت به کار رفته‌است که شیوه‌ی آموزشی استاد پاپور در مقیاسی بسیار وسیع‌تر از کلاس شخصی ایشان استفاده می‌شود. این شیوه، کفایت خود را اثبات کرده و هنرجو تقریباً با اطمینان می‌داند که وارد عرصه‌ای جدی شده‌است؛ عرصه‌ای که شاید در بهترین حالت، به انجام رساندن آن چیزی حدود ده سال طول بکشد؛ عرصه‌ای که با دقت

طراحی شده و هر جا که استاد از ادامه دادن مسیر بازماند، استادی دیگر در دسترس و قابل مراجعه است. به عقیده‌ی نگارنده، مکتب استاد پاپور در نوازندگی سنتور، نیازمند شرح و بسط و موشکافی است و باید جزئیات آن برای تمام هنرجویان و هنرآموزان سنتور مشخص شود. برای این منظور، از مشاهدات و برداشته‌های شخصی خود، از زمان ورود به این مکتب تا لحظه‌ی فارغ التحصیل شدن از آن، استفاده بردام. با این که آموخته‌های دوران تحصیل نگارنده به مدت ده سال (از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳) در این مکتب می‌تواند گویای بسیاری از جزئیات آموزش در این مکتب باشد، اما نباید از نظر دور داشت که نظرات دیگر شاگردان این مکتب نیز مسلماً در تکمیل و تأیید گفتار زیر نقشی بسزا خواهد داشت.

محتوای آموزشی

فارغ التحصیل شدن از مکتب استاد پاپور مستلزم گذراندن چهار دوره‌ی مشخص است. برای کل دوره، ۹ کتاب در نظر گرفته شده‌است و در هر دوره، یک یا چند کتاب باید آموخته شود. جالب است بدانید که از ده‌ها اثر تفری که این دوره‌ها را آغاز کرده‌اند شاید تعداد انگشت‌شماری توانسته‌اند تا آخر دوره‌ها را طی کنند و این حاکی از شرایط سختی است که برای ورود به دوره‌ی عالی سنتور در نظر گرفته شده‌است. با هم نگاهی به این چهار دوره می‌اندازیم:

۱. **دوره‌ی مقدماتی یا آمادگی.** در این دوره هنرجو باید کتاب دستور سنتور را بیاموزد. دستور سنتور از سه قسمت مشخص تشکیل شده‌است. در ابتدا بخشی کوتاه به آموزش نت‌ها و کشش‌های آن‌ها اختصاص داده شده‌است. این بخش با تعریف‌های ساده‌ی مضارب‌زدن (روی میز) و آموزش محل نت‌ها روی سنتور به اتمام می‌رسد. بخش دوم که بدنه‌ی اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، از یک سری تعریف‌های ساده‌ی مضارب شروع و با چهار مضارب‌های ساده، آهنگ‌های محلی و تصنیف‌ها و رنگ‌های قدیمی دنبال می‌شود. تمام این قطعات، با دقت بسیار سادگی‌نویسی شده‌اند و از به کار بردن نت‌های زینت و ریز در آن‌ها پرهیز شده‌است. بخش سوم شامل وُرزآهنگ‌ها (آلودها)ی بسیاری است که هنرجو را برای آغاز دوره‌ی بعد که ردیف است، آماده می‌کند. مدت زمانی که برای اتمام دستور سنتور در نظر گرفته شده، حدود ۶ ماه است.

۲. **دوره‌ی ابتدایی.** در این دوره هنرجو به فراگیری کتاب دوره‌ی ابتدایی (اثر استاد پاپور) می‌پردازد. این کتاب که ردیفی مختصر و مفید به‌شمار می‌رود، در عین سادگی،

پیشینیان است. چهار مضرب‌های ردیف چپ‌کوک در عالی‌ترین سطوح زیبایی‌شناختی و مهارت، ساخته و پرداخته شده‌اند. بدیهی است که کوک خاص به کار رفته در این ردیف (چپ‌کوک) افق‌های بسیاری را در اجرای دستگاه‌ها و آوازهای مختلف گشوده‌است. در هر صورت هنرجویانی که دوره‌ی متوسطه را به اتمام رسانده‌اند، اگر آمادگی لازم را برای اجرای ردیف چپ‌کوک احراز نکرده باشند، ردیف استاد صبا را در چپ‌کوک می‌نوازند تا با مختصات این کوک بیش‌تر آشنا شوند. پس از آن، ردیف چپ‌کوک به همراه پیش‌درآمدها و رنگ‌های چپ‌کوک تدریس می‌شود و در پایان رنگ شهر آشوب شور که توسط استاد پایور برای ستور تنظیم شده‌است، آموزش داده می‌شود. دوره‌ی عالی در مجموع چیزی حدود سه سال تمام به طول می‌انجامد.

با یک حساب سرانگشتی مشخص می‌شود که گذراندن چهار دوره‌ی خاص مکتب استاد پایور، در حدود ده سال تمام طول می‌کشد و این در حالی است که به گفته‌ی خود ایشان تخمین‌های ذکر شده، متناسب با پیشرفت یک هنرجوی بسیار باهوش و کوشا در زمینه‌ی موسیقی ایرانی در نظر گرفته شده‌است. چه بسا شاگردانی که بعد از ده سال نوازندگی هنوز به دوره‌ی عالی ستور راه پیدا نکرده‌اند. جالب این‌جاست که توالی دوره‌ها چنان منطقی و پشت سر هم است که با دانشن دوره‌ای که یک هنرجو در آن به‌سر می‌برد، می‌توان برآورد نسبتاً خوبی از مهارت‌ها و دانش او در زمینه‌ی موسیقی ایرانی به‌عمل آورد.

پویندگی در مکتب استاد پایور

مکتب استاد پایور شامل کلاس خصوصی ایشان، کلاس‌هایی که زیر نظر ایشان اداره می‌شوند و کلاس‌هایی است که توسط شاگردان مستقیم ایشان در تهران و شهرستان‌ها اداره می‌شوند. کلاسی که زیر نظر ایشان اداره می‌شود، کلاسی است که مدرس آن برای آقایان، آقای سعید ثابت، و مدرس آن برای خانم‌ها، خانم تهmine حوژگو هستند (مدرس کلاس خانم‌ها در بیست سال اخیر پنج بار تغییر کرده‌است، که به‌ترتیب عبارتند از خانم مهنا افتاده، خانم شهر شجاع‌ار دلان، خانم ماندانا اکبری، خانم پریرسا فتوحی و خانم تهmine حق‌گو). در مورد کلاس‌هایی که توسط شاگردان مستقیم استاد اداره می‌شوند نیز باید گفت، با این‌که همه‌ی آن‌ها وجوه مشترک بسیاری (از لحاظ شیوه‌ی تدریس و محتوای آموزشی) دارند، کیفیت آموزش و نزدیک‌بودن آن به شیوه‌ی تعلیم استاد پایور، نسبت مستقیمی با مدت زمان شاگردی نزد استاد و مرحله‌ای که در آن به‌سر می‌برد، دارد.

هنرجو را با اصول کلی نوازندگی ردیف و تکنیک‌های مهم ستور آشنا می‌کند؛ به گونه‌ای که پس از اتمام آن، درک و فهم ردیف استاد صبا برای هنرجو با سهولت بیش‌تری انجام می‌پذیرد. دوره‌ی ابتدایی شامل پنج دستگاه و پنج آواز است که تنها دو دستگاه نوا و راست‌پنج‌گاه در آن به چشم نمی‌خورد. از سوی دیگر، استاد به نگرش گون‌شهای مهم‌تر دستگاه‌ها و آوازها بسنده کرده، تا هنرجو بتواند در اسرع وقت به دوره‌ی بعد که در نوع خود کامل‌تر و پیشرفته‌تر است، ارتقا پیدا کند. از ویژگی‌های این دوره می‌توان به وجود مقدمه، رنگ و چهار مضرب‌های متنوع برای تقویت دانسته‌ها و قدرت نوازندگی هنرجویان اشاره کرد. زمان در نظر گرفته‌شده برای یادگیری این دوره حدود ۲ سال است.

۳. دوره‌ی متوسطه. این دوره که از دیگر دوره‌های آموزش ستور مفصل‌تر است، شامل دو مرحله‌ی جزئی‌تر است:

الف. در مرحله‌ی اول، هنرجو ردیف استاد صبا را برای ستور می‌آموزد. این ردیف اولین کتابی است که به‌طور اختصاصی برای ساز ستور به چاپ رسیده و شامل هفت دستگاه موسیقی ایرانی و پنج آواز فرعی آن است. ردیف استاد صبا در نوع خود بی‌نظیر است و ذوق سرشار و ابتکارهای بدیع استاد را در جای‌جای خود می‌نماید. همراه این ردیف، به هنرجویان پیش‌درآمدها و رنگ‌های راست‌کوک از کتاب مجموعه‌ی پیش‌درآمدها و رنگ‌های استاد پایور تدریس می‌شود تا کمبود نسبی قطعات ضربی ردیف تا حدی جبران شود. گذراندن این مرحله دو سال و نیم به طول می‌انجامد.

ب. در مرحله‌ی دوم، سه کتاب که دربردارنده‌ی قطعات ضربی استاد پایور است، با هم به هنرجو تدریس می‌شود. این کتاب‌ها شامل کتاب‌سی قطعه چهارمضرب برای ستور، قطعات موسیقی مجلسی برای ستور و هشت آهنگ برای ستور است. چهار مضرب‌ها و قطعات بسیار متنوع این کتاب‌ها، مهارت‌های نوازندگی هنرجو را تا حد اعلا بالا می‌برد و به‌جرات می‌توان گفت کسی که به‌خوبی از عهده‌ی نواختن چهارمضرب‌های سی قطعه برآید، تقریباً هر قطعه‌ای را که برای ستور نوشته‌شود، به‌راحتی می‌تواند اجرا کند. زمانی که برای آموختن این سه کتاب در نظر گرفته شده، حدود سه سال است.

۴. دوره‌ی عالی. دشوارترین و در عین حال زیباترین دوره‌ی آموزش ستور همین دوره‌ی عالی است. بدنه‌ی اصلی این دوره را ردیف چپ‌کوک استاد پایور تشکیل می‌دهد؛ ردیفی که عمیق‌ترین مفاهیم ردیفی و دشوارترین تکنیک‌های نوازندگی ستور را در بر می‌گیرد؛ ردیفی که در عین اصالت، حاکی از نگرش عمیق و تکنیکیانه‌ی استاد به ردیف‌های

به‌طور خلاصه، هر هنرجو نسبت به مکتب استاد پایور در یکی از این سه مرحله به‌سر می‌برد:

۱. مرحله‌ی ورود به مکتب و آغاز شاگردی. در طول سالیان مختلف سیاست‌های متفاوتی بر پذیرش شاگرد در این مکتب حاکم بوده‌است. شاید بتوان قانون‌مندترین و سخت‌گیرانه‌ترین شرایط را در دهه‌ی ۱۳۶۰ جست‌وجو کرد. شرایطی که بدون شک راه را برای پذیرش مستعدترین و باصلاحیت‌ترین شاگردان مهیا می‌نمود. طبق این شرایط، هنرجو باید ابتدا توسط فردی شناخته‌شده، به استاد معرفی شود. به عبارت دیگر، هنرجو فقط در صورت داشتن معرف پذیرفته می‌شد و معرف تعهد می‌کرد که فرد معرفی‌شده، در انگیزه‌هایش برای آموختن ستور مصمم است و صلاحیت اخلاقی لازم را برای ورود به مکتب دارد. تنها در دهه‌ی ۱۳۶۰ بود که استاد آموزش تعدادی شاگرد را از دوره‌ی اول (دستور ستور) پذیرفتند و از آن پس بیش‌تر شاگردان خود را از میان هنرجویان پیشرفته و مستعدتر شاگردان خود و از میان کسانی که در شهرستان‌های مختلف تمایل به تدریس و اشاعه‌ی ساز ستور داشتند، انتخاب می‌کردند. به عبارت دیگر فرد متقاضی می‌بایست واجد انگیزه‌های خاص و هدفی مشخص می‌بود تا اجازه‌ی ورود به حلقه‌ی شاگردان استاد را پیدا می‌کرد.

۲. گذراندن دوره‌ها. برای هر شاگرد هفته‌ای یک جلسه (برای شهرستانی‌ها هر دو هفته یک جلسه) حدود نیم ساعت در نظر گرفته می‌شد. شاگرد بعد از تحویل دادن درس خود و رفع اشکال‌های مربوطه، درس جدید را نت‌خوانی می‌کرد و استاد آن را برای او می‌نواخت. این روش در مورد کسانی به کار می‌رفت که در حال پیشرفت در دوره‌ی خاصی بودند. برای کسانی که دوره‌ی خاصی را نزد استاد دیگری گذرانده بودند و یا در حال گذر از دوره‌ای به دورمای دیگر بودند، روش دیگری به کار می‌رفت. شاگرد موظف بود بخش قابل توجهی از یک دستگاه یا چند قطعه‌ی ضربی را همزمان تحویل استاد دهد و سپس اشکالاتش را رفع نماید. در چنین مواردی درس جدید به هنرجو داده نمی‌شد. معمولاً از هنرجو خواسته می‌شد یکی از درس‌های گذشته‌ی خود را به عنوان «دوره» اجرا کند و انتظار می‌رفت که دوره‌ها به‌خوبی درس‌های جدید تحویل داده شوند.

در مراحل ابتدایی شاگرد موظف است دقیقاً مانند بن‌نواز، ولی با پیشرفت او این تأکید برداشته می‌شود و به شاگرد اجازه داده می‌شود در محدوده‌ی توانایی‌های خود دست به ابتکار و بداهه‌نوازی بزند. پس از اتمام هر دوره‌ی آموزشی، توانایی‌های هنرجو مورد

ارزیابی قرار می‌گرفت و تنها در صورت داشتن توانایی‌ها و شرایط لازم، دوره‌ی بعد تدریس می‌شد؛ در غیر این صورت شاگرد موظف بود تمام مطالب دوره‌ی قبل را به اصطلاح دوره کند.

۳. فارغ‌التحصیلی از مکتب استاد. روش استاد این است که پس از اتمام هر چهار دوره‌ی ذکرشده، ادامه‌ی کلاس را برای هنرجو جایز نمی‌دانند و او را به عنوان فارغ‌التحصیل تشویق به ترک کلاس و مشارکت فعال در صحنه‌های هنری کشور می‌نمایند. به این ترتیب، اتمام ردیف چپ‌کوک و رنگ شهر آشوب و تأیید استاد به معنای فارغ‌التحصیلی هنرجو است. استاد پایور ظاهراً مدرک خاصی برای فارغ‌التحصیلان مکتب خود در نظر نگرفته‌اند؛ با وجود این در سال ۱۳۷۲ در توضیح داخل جلد آلبوم دستور ستور، ایشان از هشت نفر به عنوان فارغ‌التحصیلان مکتب خود نام برده‌اند: مینا افتاده، ماندانا اکبری، سعید ثابت، نادر سینکی، احد رهنمایی، پیمان آذرمینا، پژمان آذرمینا و تهیمت حق‌گو.

برنامه‌های جانبی مکتب

سه مورد است که به نظر نگارنده به عنوان تأثیرگذارترین اقدامات استاد در پرورش شاگردان مؤثر بوده‌است:

۱. تأکید بر تقویت ضرب شناسی. استاد معتقد هستند که دانستن ضرب و آشنایی با نوازندگی تمبک از مسائل بسیار مهمی است که هر نوازنده باید برای آن وقت صرف کند. بسیاری از اوقات، خود ایشان با شاگردان ضرب می‌گرفتند تا آن‌ها را با ریتم صحیح قطعات ضربی آشنا سازند و تأکید داشتند که نوازندگی ستور باید در هر فرصتی که پیش می‌آید قطعات را با همراهی تمبک تمرین کند و حتی بتواند ضرب‌های ساده‌ی ایرانی را با تمبک اجرا کند. تقویت حس ضرب‌شناسی امری است که می‌تواند همواره هنرجو را در اجراهای گروهی و هم‌نوازی با تمبک یاری دهد.

۲. تأکید بر رعایت انضباط و اخلاق و ادب. استاد پایور فردی بسیار منضبط و مبادی آداب هستند و معتقدند که اخلاق خوب باعث خواهد شد که هنرمند در جامعه و میان مردم از اعتبار و منزلت بیش‌تری برخوردار شود. از سوی دیگر، رعایت انضباط همواره بستری فراهم می‌آورد تا استعدادهای ناشکفته، بشکفتد و فرد موفقیت بیش‌تری در زندگی کسب کند و این دو مورد را استاد پایور ضمن آموزش‌های هنری، با جدیت و تأکید خاصی به تمامی هنرجویان خود می‌آموختند.

۳. برگزاری کنسرت‌های مرتبه‌ی یکی از برنامه‌های لاینفک مکتب استاد پایور در دهه‌ی ۱۳۶۰ و نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۳۷۰ برگزاری کنسرت‌های خاص به‌منظور تشویق شاگردان و عادت‌دادن آن‌ها به اجرا در حضور جمع بود. در هر برنامه حدود ۱۰ تا ۱۵ نفر از شاگردان مکتب ایشان، از ابتدایی‌ترین مرحله (دستور دستور) تا پیشرفته‌ترین دوره (دوره‌ی عالی) به ارائه‌ی آموخته‌ها و هنر خود می‌پرداختند و موظف بودند قطعات از پیش تعیین شده‌ای را در حضور استاد، دیگر شاگردان و والدین آن‌ها اجرا کنند. مسلم است که کنسرت‌های فوق در تقویت حس رقابت در شاگردان و عادت‌دادن آن‌ها به اجرای موسیقی در میان جمع، تأثیر بسزایی داشته‌است.

البته در دوره‌ی خاصی نیز استاد پایور کنسرت‌هایی خصوصی برای بهترین شاگردان خود برگزار کردند و این برنامه را ماه‌ها ادامه دادند (اغلب به‌صورت هم‌نوازی با استاد محمد اسماعیلی). هدف استاد از برگزاری این برنامه‌ها به‌طور قطع، آشنا کردن شاگردان خود با شیوه‌های نوآزندگی برتر و تفهیم مفاهیم عمیق ردیف استاد صبا بوده‌است.

مقاله‌ی فوق فرصتی بود برای آن‌که به مهم‌ترین نکات مکتب استاد پایور اشاره شود. بی‌تردید هنوز مطالب بسیاری در مورد مکتب ایشان ناگفته مانده‌است. از آن‌جا که دانستن ویژگی‌های مختلف مکاتب آموزشی (به‌ویژه آن‌هایی که در ترویج موسیقی ایرانی نقش کلیدی داشته‌اند) راه را به سوی پیشرفت هرچه بیش‌تر موسیقی ایرانی باز می‌کند؛ امیدواریم که دیگران نیز در شناساندن مکتب‌های مختلف قلم به دست گیرند و همگان را در جریان شیوه‌های گوناگون تدریس موسیقی قرار دهند. شاید همین تبادل‌نظرها موجبات رسیدن به شیوه‌های بهتر و کم‌نقص‌تر را فراهم آورد. به امید روزی که در آموزش هنر ساز ایرانی چندین مکتب موفق و پویا وجود داشته‌باشد.